شهرآرا و زنو
17
08
19
شنبه
۲۶ مرداد ۱۳۹۸
۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۰
شماره ۲۹۰۰

کدام ممنوع؟ کدام تصویر؟

درباره داستان ممنوع‌التصویری ستاره‌های سینما در تلویزیون که این روزها بحث و حرف درباره آن داغ است

محمدناصر حق‌خواه

نزدیک به یک دهه پیش وقتی می‌گفتند کسی در صداوسیما ممنوع‌التصویر است، هم این ممنوعیت از قبل حدس‌زدنی بود و هم دلایلش تقریبا معلوم. با گستردگی و قدرتی هم که تلویزیون داشت، معمولا این ممنوعیت برای فرد، کار را مشکل می‌کرد. چند سال بعد از آن روزها، دوره‌ای را شاهدیم که هر لحظه ممکن است کسی ممنوع‌التصویر باشد، درحالی‌که نه آن فرد می‌داند که پخش چهره‌اش در تلویزیون، ممنوع است و نه دلایلی برای حدس زدن چنین اتفاقی از قبل وجود دارد. کافی است بازیگری در تیزر یک فیلم حضور داشته باشد و با حذف تصویرش از تیزر پخش‌شده از تلویزیون، همه بفهمند که پس فلانی هم ممنوع‌التصویر است. در همین یکی‌دو هفته اخیر حذف مهناز افشار و هانیه توسلی از تیزر فیلم‌های قسم و ایده اصلی، این دو بازیگر را به فهرست جدیدترین ممنوع‌التصویرشده‌های تلویزیون اضافه کرد.

این اتفاق در فضای مجازی هم سروصدای زیاد به‌پا کرد، از واکنش محسن تنابنده بگیرید که در اینستاگرام، تیزر سانسورشده را به اشتراک گذاشت و زیر آن نوشت: «اینم یه تیزر مطابق با سانسور تلویزیون بدون نقش اصلی(مهناز افشار) (البته تو رودربایستی یه چندتا با مهناز پخش کردن) مزدک میرزایی! حتما برگرد.» تا واکنش کاربرانی که چنین سانسورهایی را نشانه بی‌دروپیکر بودن یک سازمان می‌دانستند نه حرفه‌ای بودن آن. بد ندیدیم به همین بهانه کمی بیشتر درباره این پدیده، علل و نتایجش حرف بزنیم.

شما چرا نیستید؟

چند ماه پیش عکس یکی از بوردهای سازمان صداوسیما در فضای مجازی پخش شد که روی تکه کاغذی چیزی به این مضمون نوشته بودند: «صدا و تصویر حامد همایون ممنوع است». همان یک عکس، روند جالب ممنوع‌التصویری در تلویزیون را نشان می‌دهد که با یک خط نامه، کسی که کنسرت‌هایش در سراسر ایران برپا و شلوغ است یا بازیگری که یکی پس از دیگری در آثار سینمایی حضور دارد و هم‌زمان چند فیلم از او روی پرده است، در تلویزیون ممنوع‌التصویر می‌شود.

اینجا اولین و مهم‌ترین و بی‌جواب‌ترین سوالی که پیش می‌آید، این است که اگر کسی مظنون، متهم، مجرم یا فاسد است، پس چرا در جامعه راست‌راست راه می‌رود و کار فرهنگی و هنری‌اش را به‌راحتی انجام می‌دهد و کسی هم به او کاری ندارد و اگر چنین نیست و فردی هیچ سابقه بد یا عملکرد نامناسبی نداشته است، پس چرا در رسانه ملی مملکت که با سرمایه همه مردم اداره می‌شود، نباید اثری از او باشد؟

سال‌های پیش، تلویزیون معمولا این محدودیت‌ها را برای کارکنان خودش و به‌دلایلی معلوم به‌کار می‌گرفت و مثلا وقتی کسی مثل فرزاد حسنی ممنوع‌التصویر می‌شد، هم تقریبا دلیلش مشخص بود و هم آینده حرفه‌ای فرد به خطر می‌افتاد اما این روزها نه دلیلی مشخص می‌شود و نه به اعتبار و آینده فرد برمی‌خورد. چه‌بسا آن‌قدر تعداد این اتفاقات زیاد شده باشد که به برندشدن بازیگر و خواننده و مجری مغضوب هم کمک کند.

ممنوع‌التصویران توی چشم

خاطرات بازیگران ساعت خوش که در اواسط دهه ۷۰ شهرت عجیبی پیدا کردند و ناگهان همه با هم ممنوع‌التصویر و ممنوع‌الکار شدند، یادتان هست؟ در مصاحبه‌هایی که بعدا از زبانشان منتشر شد، از این گفتند که چه سختی و افسردگی بعد از آن روزها کشیدند اما این اتفاق‌ها مربوط به زمانی بود که چیزی به نام اینستاگرام وجود نداشت که اولا خبر ممنوع‌التصویری آدم‌ها به‌سرعت در آن پخش شود و در مرحله بعد، همه از سر کنجکاوی فرد مغضوب تلویزیون را دنبال کنند تا ببینند که چرا ممنوع‌التصویر است و این طوری ماجرای ممنوعیت برای فرد شیرین‌تر شود. نشان به آن نشان که مهناز افشار که در تلویزیون ممنوع‌التصویر است، بیش از ۹میلیون دنبال‌کننده دارد و به احتمال قوی هر پست و استوری که در اینستاگرامش می‌گذارد، اگر بیشتر از تلویزیون بازخورد نداشته باشد، قطعا کمتر نیست.

از سوی دیگر فیلمی که پخش تیزرش با محدودیت روبه‌رو شده است، با دو حالت روبه‌روست؛ یا کم می‌فروشد و باعث به خطر افتادن سرمایه فرهنگی تمام آدم‌های پشت آن می‌شود یا با کنجکاوی بیشتر مردم روبه‌رو می‌شود و افرادی فقط برای اینکه ببینند چه خبر است، به‌سمت آن می‌روند. دیگر روزهایی که با محو کردن چهره هنرمندی از تلویزیون، بشود کارهایش را هم نادیده گرفت، گذشته است و تلویزیون بیشتر از اینکه با ممنوع‌التصویر کردن هنرمندان، به آن‌ها ضربه بزند، مخاطبان خودش را کم می‌کند. معلوم نیست این ممنوعیت دقیقا چطور ممنوعیتی است که همه را بیشتر مشتاق می‌کند و این تصویر چگونه تصویری است که در شبکه‌های مجازی، چهره فرد بیشتر و بیشتر دیده می‌شود.

طرح: محمدرضا میرشاه‌ولد

به وقت شله

محمدعلی محمدپور

من خودم را هم باید بخورم!

همان‌طور که اطلاع دارید، چند روز قبل در باغ‌وحش وکیل‌آباد، یک ماده‌ببر، هفت توله زایید که به‌محض زایمان، جان خودشان را از دست دادند. برای بررسی بیشتر موضوع، گفت‌وگویی با ماده‌ببر داغ‌دیده انجام داده‌ایم.

+ سلام. ضمن ابراز تاسف بابت اتفاق پیش‌اومده، خواستم ببینم امکان مصاحبه دارید؟

- سلام. بله، امکان مصاحبه رو که دارم، فقط هر لحظه ممکنه انرژیم تموم شه. آخه از آخرین پوست پفک و لنگ دمپایی‌ای که بازدیدکنندگان عزیز انداخته‌اند و خوردم، ساعت‌ها می‌گذره و ممکنه هر لحظه غش کنم.

+ مگه به شما گوشت تازه نمی‌دن مسئولان باغ‌وحش؟

- گوشت تازه؟ ما به گوشت منجمد برزیلی، اصلا به استخون منجمد برزیلی هم راضی هستیم.

+ خب، بفرمایید از حادثه بگید که چی شد یهو همه بچه‌هاتون مُردن؟ اصلا سابقه داشته این میزان مرگ‌ومیر حین زایمان؟ چون مسئولان گفتن این اتفاق، طبیعیه.

- راستش دخترخاله‌ام تو جنگل‌های بنگال، زایمان کرد. در بدو زایمان، سلطان جنگل اومد چند تا از بچه‌هاشو خورد. یه تعدادشون هم کفتارها ریختن سرشون. تعدادی‌شون هم گرسنگی کشیدن ولی بازهم خیلی موفقیت‌آمیزتر بود و هفت تا یه‌جا نمردن.

+ شما شرایط زایمانتون چطور بود مگه؟

- راستش ما اون‌قدر جای خودمون محدودیت داریم که توله‌هام که می‌خواستن به‌دنیا بیان، گفتن ما نمیایم. همون‌جا که بودیم، جامون خیلی راحت‌تر و دلبازتر بود. راست هم می‌گن؛ اینجا من می‌خوام تکون بخورم، شستم می‌ره تو چشم آقامون.

+ مسئولان گفتن شما خودتون بچه‌هاتون رو خوردین، این موضوع صحت داره؟

- ترجیح می‌دم درمورد این اظهارنظرها سکوت کنم، فقط بگم که از دست این مسئولان، من خودم رو هم باید می‌خوردم.

+ در پایان اگر صحبت دیگه‌ای دارید، بفرمایید؟

- فقط خواستم بگم جای هنرمند پشت این میله‌ها نیست. منِ هنرمند اینجا پشت میله‌ها هر روز دارم آب می‌شم و از بین می‌رم.

+ ببخشید شما هنرتون چیه مگه؟

- وای دیگه واجب شد من خودم رو همین امشب بخورم. واقعا براتون عجیب نبود که من داشتم حرف می‌زدم؟

خط رو خط

مهدی محمدی

موضوع انشا: سدمعبر

از پسر همسایه‌مان که در رشته اقتصاد درس خوانده است، درباره سدمعبر پرسیدم. او گفت: سدمعبر از لحاظ اقتصادی خیلی برای جوامع مفید است. در جامعه‌ای که دست‌فروش‌ها سدمعبر می‌کنند، اشتغال‌زایی می‌شود و با کمترین هزینه، یعنی پول یک وانت‌پیکان، شغلی به نام مامور سدمعبر به‌وجود می‌آید. به خانه رفتم و دیدم برادرم وسط هال خوابیده است. چشمم به گوشی‌اش افتاد که کنارش بود. همیشه می‌گفت گوشی من، بخشی از وجود من است؛ برای همین توی گوشی‌اش جست‌وجو کردم ببینم چیزی درمورد سدمعبر پیدا می‌کنم یا نه. بعد از کلی جست‌وجو دیدم این پیام را برای نامزدش فرستاده است: «از واحد سدمعبر مزاحمتون می‌شم، ببخشید مهربونی‌تون، سد راه دلمون شده» و نامزدش هم در جواب چند تا استیکر دل و قلوه فرستاده است و آنجا بود که فهمیدم سدمعبر حتی در تحکیم روابط زناشویی و کاهش آمار طلاق نیز نقش موثری دارد. وقتی از خانه آمدم بیرون، برادر رضا، دوستم، را دیدم که در پیک موتوری کار می‌کند. او گفت: من اول فکر می‌کردم سدمعبر کردن در پیاده‌رو خیلی کار بدی است؛ چون نمی‌توانیم با موتور در پیاده‌رو تردد کنیم ولی یک‌بار هنگامی که خودم در پیاده‌رو قدم می‌زدم، یک نفر با موتور، گوشی‌ام را از دستم چنگ زد و خواست فرار کند اما به‌خاطر اینکه داخل خیابان ترافیک بود و داخل پیاده‌رو هم دست‌فروش‌ها سدمعبر کرده بودند، نتوانست فرار کند و با همکاری مردم، آن سارق به پلیس تحویل داده شد. آنجا بود که فهمیدم سدمعبر یک سد کاملا مهندسی‌ساز است. ما از این انشا نتیجه می‌گیریم که سدمعبر خیلی چیز مفیدی است و تک‌تک مردم کشور باید در حفظ و نگهداری سدهای معبر کوشا باشند و مبادا کسی روی آن‌ها یادگاری بنویسد!

باهم بشنویم

ایرانی اصل کی خونده؟ ماکان بند ترانه‌اش از کیه؟

محسن حق‌نظری آهنگ‌سازش کیه؟

محمد عابدینی حس و حالش چیه؟

عاشقانه و شاد، ریتم پر انرژی، حال خوب کن، با سیستم خوب گوش بدی

حاضرجواب

باشگاه خبرنگاران جوان- تیراژ برخی کتاب‌ها به عدد۱۰ رسیده است.

هنوز هم می‌گید مردم نگران قطع درختان نیستند؟

وزیر اقتصاد: مدیران به‌سمت مولد کردن دارایی حرکت کنند.

مردم: فعلا که به‌سمت متحرک شدن دارایی، پیش رفتن و اموال مردم سر از کانادا درمیاره!

ایرنا: پژوهشگران اعلام کردند مواد آنتی‌باکتریال برخی خمیردندان‌ها سرطان‌زاست.

حالا بدون اینکه عذاب وجدان بگیرید، بدون مسواک زدن برید بخوابید!

واکنش آمریکا به آزمایش موشکی کره‌شمالی

ترامپ: چرا قبل آزمایش، کره‌ای‌ها ناشتا نبودند؟

معوقات فرهنگیان به‌زودی پرداخت می‌شود.

آموزش‌وپرورش: اگه پولشونو سر موقع داده بودیم، تا الان همشو خرج کرده بودن.

معاون وزیر راه: توزیع لاستیک کامیون با نرخ کمتر از بازار

جای شکرهای ۳هزارو۴۰۰تومنی تنظیم بازار رو که نتونستید پیدا کنید، ببینیم اینو چکار می‌کنید.

کله ونگ

مُشتِبا نخعی‌راد

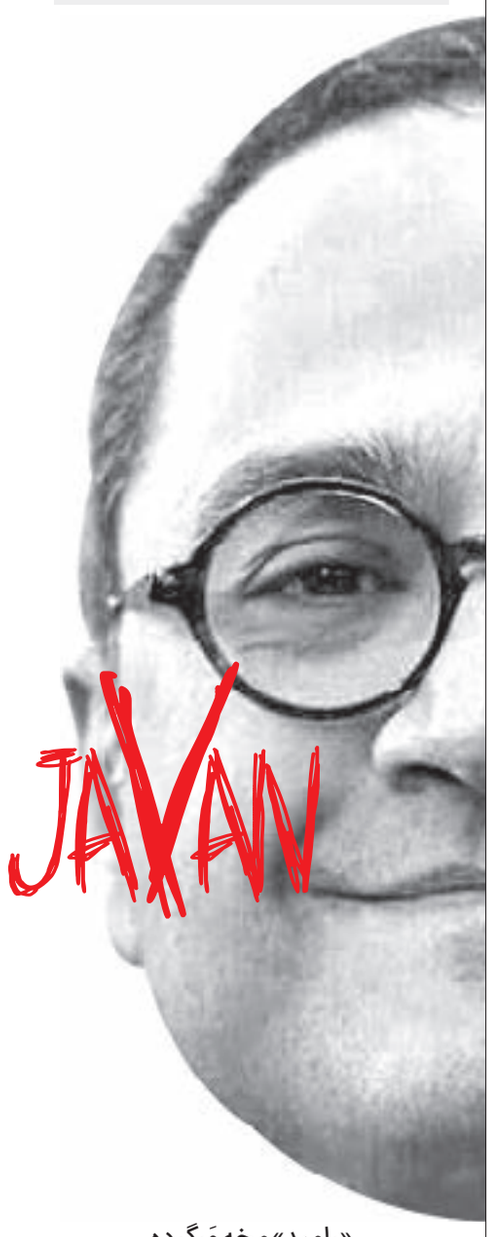

«رامبد» مِخِه وَرگِرده

دداش اینجه ره بِذش مگَن ستونِ «کله‌وَنگ»، بِر چی شما دِرن ایقَذه کله‌وَنگ «رامبد جوان» مِشن کَه دِره تو کانادا چکا مُکُنه؟ ایجور کُنِن، دست زیاد مِره و نِمصرفه. جانِ مُشتِبا مُو نمایندگی انحصاری کله‌وَنگ رَه گیریفتُم، اَوجور نیستگ که هر کی بتنه کله‌وَنگ هر کی مِخه، بِره. ایجور کِردِن که رامبد هم وَرمِدره مگه: «بِر چی فِک مُکُنِن مُو مهاجرت کِردُم و دگه وَرنِمگردُم؟ پیش تولید خندونه هم شروع رِفته و بِخه پخش بشه، مُو وَرمِگردُم.» مُو خودُم نزدیک‌ترین چیزی که از کانادا دیدُم، همی کوکای زرده که وقتی مُرُم ماغازه سر میلان با کیس مُخورُم، ولی اوجورَم خِفَنگ نیستگ که بِخِن بِرن اونجه، هی کانادا بخورن.

لَاکردار ایقَذه همه دِرَن مِزَن و یَگ عده وَرمِگردَن و یَگ عده‌یَم همونجه مِمانَن که مُو قاطی کِردُم که الان کی هستگ و کی نیستگ. بعدشم بِرنامه نوَد ره که اوجور کله‌گنده بود، زدَن تارت‌وپارت کِردَن و کَک‌شایَم نگَزید. ای خندوانه که دگه اوجورَم نبوده و رامبد بخه نازَ کنه، عمرا خریدار ندره. بِذش مگَن خودتم نَبشی، مشکلی ندره. تعریف از خود نَبشه، مُو خودُم با جناب‌خان مِتِنِم دُوَه‌دُوَه کُنِم و هی خنده چاخانی تحویل مردم بِدِم.

ولی مُو خودُم سیتیزن یَگ جایی رفتُم که بعداً خَیلی خِفَنگ مشه، کانادا؟ نه یَره، اونجه دگه خز شده. بِذرن بِذتا بُگُم، مُو از الان دِرُم او روزی رَه مِبینُم که تو کانادا دو تا ماشین گُرمبستی شاخ‌به‌شاخ بشَن، راننده‌ها قفل‌فرمون وَردِرَن و وَخِزَن بیرون، یکی بگه: «دداش، ریز مِبینُمت.» اَو یَرگه دگه هم بگه: «یَره دولَخ نکُن، یَگ جوری مِزنُمت که صدای موسی کوتقی بدی!» پلیسم که میه، بِذشا مگه: «ول بِدِن همدگه ره، ولی چه جالب رفته که شمایَم دِرِن فارسی حرف مِزنِن!» ایجور مشه که تازه مفهمَن چی کلاهی سرشا رفته و همه از اینجه رفتن اونجه و دگه خارج، حساب نمشه. او زمان واز همه مِرَن تو صف سفارت ایران که وَرگِرَدَن اینجه! بِر همی مُو سیتیزن مِشَد رِفتُم.

هزار تو

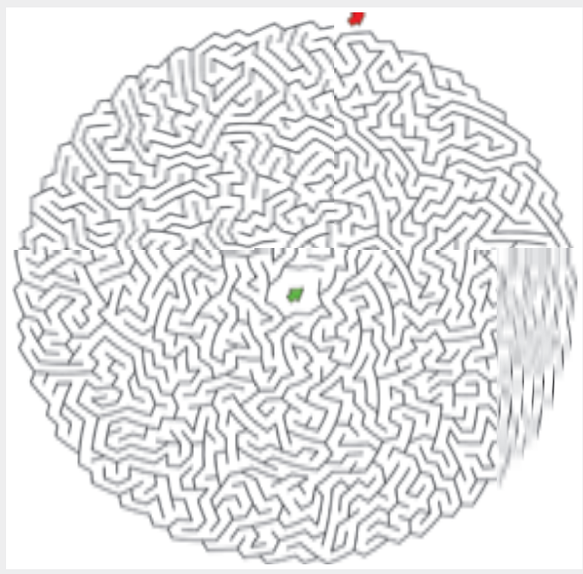

سودوکو پازلی

قوانین سودوکوی پازلی درست مثل سودوکوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودوکوی معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

شماره ۳۸

	۴	۹				۵		۳
		۵			۱			
			۵	۳		۴		۱
				۲				
			۳		۸			
				۶				
۴		۶		۸	۹			
			۸			۳		
۵		۱				۲	۸	

پاسخ شماره ۳۸

جدول ۲۷۴۷

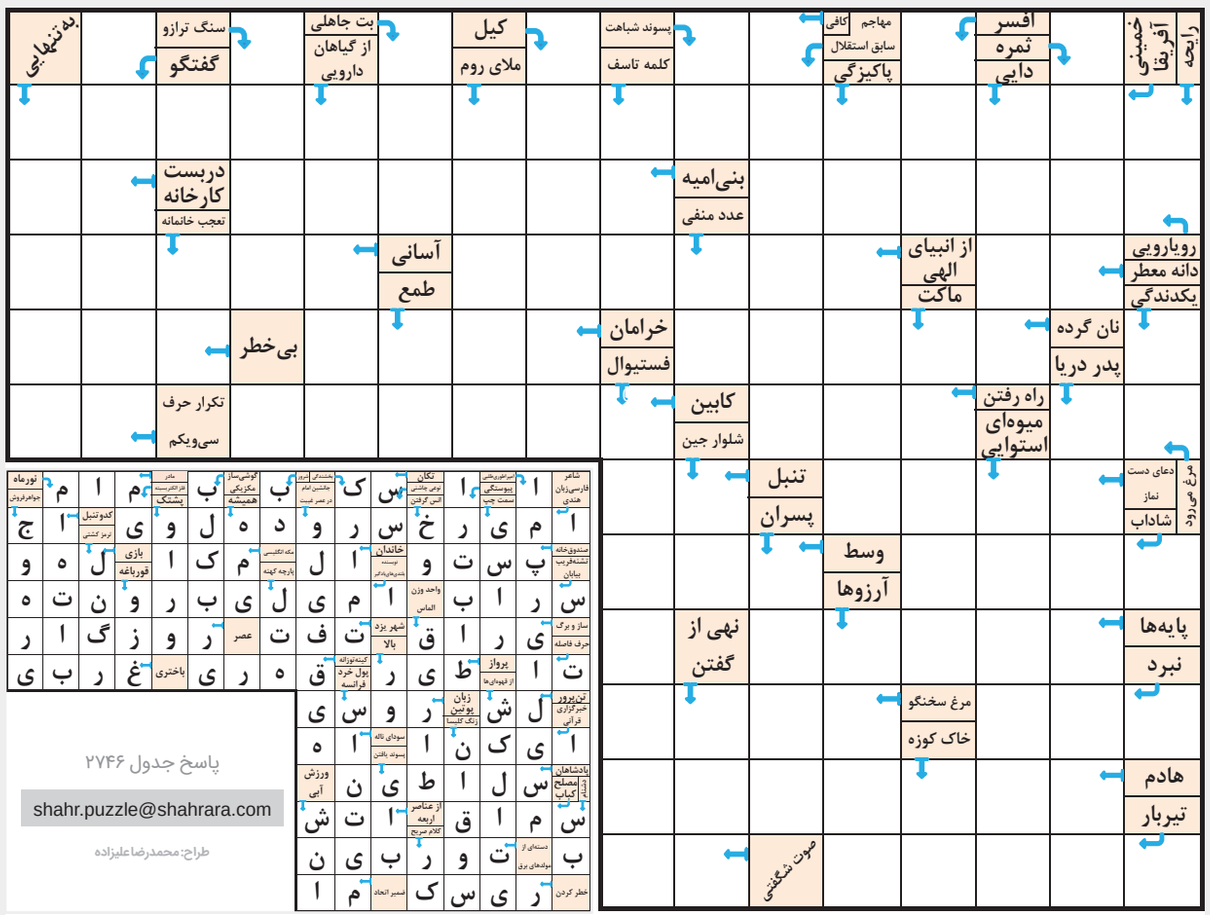

پاسخ جدول ۲۷۴۶

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده